

نحوه بازتاب تحولات بحرین، یمن و سوریه در مطبوعات ایران

فاطمه محمدی‌زاده*

عباس اسدی**

چکیده

سؤال اصلی تحقیق این است که در نحوه انعکاس اخبار جنبش‌های سه کشور بحرین، یمن و سوریه چه تفاوت‌هایی در عملکرد مطبوعات اعم از اصولگرا و اصلاح‌طلب وجود دارد؟ در بخش نظری پس از مروری بر نظریه‌های برجسته‌سازی و بساخت‌گرایی اجتماعی با استفاده از نظریه سازه‌انگاری نقش ارزش، هویت و هنجار در جنبش‌های اجتماعی منطقه مورد توجه قرار می‌گیرد. در این پژوهش، ده روزنامه در یک دوره شش ماهه از اول بهمن ۸۹ تا آخر تیر ۹۰ با استفاده از روش تحلیل محتوا مورد بررسی قرار می‌گیرند.

واژگان کلیدی

مطبوعات، تحلیل محتوا، بحرین، یمن، سوریه، بیداری اسلامی.

مقدمه

تحولاتی که از تونس آغاز شده و در اندک زمانی کشورهای آفریقا تا حاشیه خلیج فارس را تحت تأثیر قرار داده است، گرچه با عناوینی همچون «بیداری اسلامی»، «بهار عربی»، «دومینوی تغییر»، «خاورمیانه جدید» و ... خوانده و تحلیل می‌شوند، اما به نظر می‌رسد وزن تغییرات در این کشورها یکسان نبوده و علاوه بر عوامل داخلی، مواضع بین‌المللی و شیوه عمل سیاستمداران آنان نیز در چگونگی پیشبرد تحولات و برخورد دیگر کشورها با آنها مؤثر بوده است.

fa.mohamadizade@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۲۵

*. کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی.

** استادیار دانشگاه علامه طباطبائی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۷

به دنبال وقوع جنبش‌ها و بحران‌های منطقه‌ای، کشورهای مختلف به دلیل اثرات متقابلی که حوادث دیگر کشورها بر روند سیاست خارجی و جایگاه بین‌المللی آنها دارد، با توجه به منافع یا ایدئولوژی‌های خاص خود، سیاست‌های مشخصی را پیرامون آن حوادث در پیش می‌گیرند. آنچه در مورد وقایع رخ داده در کشورهای منطقه، و رای برجستگی‌های تاریخی، فرهنگی و ارزشی، سرعت تحولات آنها و نقش بیگانگان در شبیه‌سازی و احیاناً انحراف در جنبش‌ها بحث برانگیز است، نقش رسانه‌ها در چگونگی بازتاب این تحولات است. این تحقیق به بررسی مطبوعات ایران در نخستین ماه‌های شکل‌گیری جنبش‌های بیداری اسلامی پرداخته است.

با توجه به اهمیت منطقه آسیای جنوب غربی و قرار گرفتن ایران در نزدیکی سه کشور بحرین، یمن و سوریه و تأثیر فراوان تحولات این کشورها بر جایگاه بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، بررسی مطبوعات با گرایش‌های سیاسی متفاوت برای روشن شدن نظریات احزاب، گروه‌ها و ارگان‌های مختلف در این امر مهم ضروریست؛ چراکه هر یک از آنها نماینده عقیده، مرام و مسلک گرایش‌های مختلف سیاسی می‌باشند و دیدگاه‌های گرداندگان‌شان را بازتاب می‌دهند. این تحقیق علاوه بر یمن، با بررسی کشورهای بحرین و سوریه که در دیدگاه‌های رسمی در دو سوی طیف قرار دارند و دارای ماهیت‌های متفاوتی در تحولات خود هستند و همچنین بررسی مطبوعاتی در کشور که دارای جهت‌گیری‌های سیاسی و حزبی متفاوتی هستند، علاوه بر اینکه به بررسی موضوع بیداری اسلامی در کشورهای منطقه پرداخته، تفاوت‌های تحولات هر یک از کشورها و جایگاه، رتبه و درجه اهمیت منابع مختلف داخلی و بین‌المللی را در مطبوعات مختلف مشخص می‌کند. ده روزنامه شرق، جام جم، آفتاب یزد، جمهوری اسلامی، همشهری، تهران امروز، کیهان، ایران، آرمان روابط عمومی و اطلاعات در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرند. متغیرهای اصلی تحقیق عبارتند از: منشأ و علل جنبش‌ها، ماهیت آنها، منابع خبری مورد استفاده، اشاره به اختلافات شیعه و سنی، موضوعات برجسته شده در مطبوعات و فراوانی و حجم اخبار.

پیشینه تحقیق

با جستجوی پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون چگونگی انعکاس تحولات منطقه در رسانه‌ها موردی که به بررسی رسانه‌های داخلی پرداخته باشد، یافت نشد. لذا موارد مشابه داخلی و خارجی در این تحقیق مورد توجه قرار گرفته است.

«فوگل اسکجر» در مقاله‌ای با عنوان: «تغییر انقلاب، تغییر توجه؟: مقایسه پوشش خبری مطبوعات دانمارک درباره بهار عربی در تونس و سوریه» به مطالعه تطبیقی پوشش خبری مطبوعات دانمارک از خیزش‌های تونس و سوریه در دوره زمانی ژانویه تا مارس ۲۰۱۱ پرداخته است. این پژوهش براساس ترکیبی از تحلیل محتوای کمی و کیفی به منظور شناسایی الگوهای گزارش خبری انجام شده است. در این تحقیق

تفاوت‌های استراتژی و پوشش خبری رسانه‌ها و تحلیل مقایسه‌ای الگوهای گزارش اخبار مورد بررسی قرار گرفته‌اند. اسکچر به ذکر مواردی پرداخته که مطبوعات به مقولات شرایط اجتماعی در تونس و فرقه‌گرایی در سوریه در چهار مرحله توصیف مشکلات، تفسیر عوامل، ارزیابی اخلاقی و پیشنهادات برای حل بحران پرداخته‌اند. وی در ارزیابی اخلاقی به توجه مطبوعات به اسلام و در فرقه‌گرایی به اختلافات شیعه و سنی اشاره کرده است.

یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که تحولات سوریه بیش از شمال آفریقا مورد توجه قرار گرفته و تمرکز اصلی بر تظاهرات و ناآرامی‌های اجتماعی و فرقه‌گرایی با عنوان «جنگ سوریه به پایان نخواهد رسید» بوده است. اما در تونس، تمرکز از تظاهرات معترضان به سؤالاتی درباره دموکراسی و شرایط اجتماعی تغییر کرده است.

«استیون سالاتیا» در بخشی از مقاله خود با عنوان «پوشش خبری رسانه‌های جمعی آمریکا از انقلاب‌های عربی: پیامی متناقض از مدرنیته» به بررسی چگونگی پوشش خبری حوادث سوریه، عربستان و بحرین در روزنامه‌های «نیویورک تایمز» و «واشنگتن پست» می‌پردازد. وی با استفاده از آرشیو آنلاین نیویورک تایمز و واشنگتن پست در محدوده زمانی ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۱ تا ۲۰ دسامبر همان سال، اخبار این کشورها را بررسی کرده است.

براساس نتایج تحقیق وی، در نیویورک تایمز پوشش شدید به ناآرامی‌ها در سوریه که دشمن ایالات متحده است داده شده، در حالی که اعتراضات عربستان سعودی و بحرین (متحده آمریکا)، در طول همان دوره که مورد تعرض وحشیانه قرار گرفته‌اند، پوشش خبری اندکی داشته‌اند. در واشنگتن پست، فراوانی مقالات در کل کمتر بوده است اما مانند نیویورک تایمز اشاره به ناآرامی‌ها در سوریه بیش از بحرین بوده است؛ با این تفاوت که حوادث عربستان کاملاً نادیده گرفته شده و در هیچ خبری به آن اشاره نشده است. همچنین واشنگتن پست، توجه بیشتری به بحرین نسبت به نیویورک تایمز داشته است. با تغییر واژه «ناآرامی‌ها» به «اعتراض»، «ظلم و ستم»، «سرکوب» و «شورش» نیز نتایج مشابهی به دست آمده است.

«امیر جمیل یحیی» در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود در دانشگاه بین‌المللی میسوری کلمبیا پوشش خبری «شبکه تلویزیونی عربی زبان الجزیره» و «شبکه تلویزیونی CNN» را در انقلاب مصر بررسی کرده است. در این پژوهش، موضوعات اعتراضات، دموکراسی، دولت مصر و واکنش‌های بین‌المللی خصوصاً دولت آمریکا به حوادث مصر در دوره زمانی ۲۵ ژانویه تا ۱۵ فوریه ۲۰۱۱ با استفاده از روش تحلیل محتوا و نیز با توجه به سیاست‌ها و دیدگاه‌های متفاوت این دو رسانه مورد بررسی قرار گرفته است.

براساس نتایج این تحقیق، «الجزیره» انقلاب مصر را از دیدگان معترضان و رهبران آنها بیان کرده است. این شبکه از ابتدا انقلاب را در شرایط آرام و با اعتراضات مسالمت‌آمیز توصیف کرده و از عنوان «برادران

مسلمان» به عنوان عامل پیوستگی یاد کرده و به دموکراسی با این ایده که جاده دموکراسی با از بین رفتن حکومت‌های فاسد ساخته خواهد شد اشاره نموده است. در مقابل «CNN» اخبار را از دیدگاه دولت آمریکا و وابستگان آنها بیان کرده و دموکراسی را به عنوان خواسته سران آمریکا مطرح کرده است. گزارشگران این شبکه اصرار بر اصلاحات مسالمت‌آمیز و تأکید بر ادامه حضور مبارک داشته‌اند. این شبکه از «برادری مسلمانان» با ترس یاد کرده و آن را با قدرت اسلام در ایران ۱۹۷۹ مقایسه کرده است.

«زهرای عیوض علیلو» در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به «بررسی تطبیقی نحوه انعکاس جنگ علیه عراق در مطبوعات کشور» پرداخته است. وی روزنامه‌ها را یک ماه قبل و یک ماه بعد از جنگ عراق بررسی کرده است. او به تحلیل محتوای روزنامه‌های کیهان و رسالت از جناح راست و یاس نو و اعتماد از جناح چپ با استفاده از شیوه نمونه‌گیری تصادفی پرداخته است و چهار ماه آماری را به قید قرعه انتخاب کرده و موضوعات سیاسی و نظامی در مسائل خاورمیانه را طبقه‌بندی کرده و سپس روزنامه‌های دو جناح را با هم مقایسه کرده است. براساس نتایج تحقیق، از نظر محتوای به کار برده شده، بین روزنامه‌ها اختلاف معناداری وجود دارد. توجه به تظاهرات ضد جنگ در کشورهای مختلف در روزنامه‌های جناح راست بیش از جناح چپ بوده است. همین روند اختلاف در تظاهرات مردم عراق علیه جنگ و حضور نیروهای ائتلاف نیز دیده می‌شود. جناح راست جهت‌گیری منفی در اختیار داشته، درحالی که جناح چپ جهت‌گیری بی‌طرفانه اتخاذ کرده است.

مبانی نظری تحقیق

در این بخش از پژوهش پس از مروری بر نظریه برجسته‌سازی، با استفاده از نظریه برساخت‌گرایی اجتماعی به پدیده ساخت خبر اشاره می‌شود و سپس به نظریه سازه‌نگاری اشاره خواهد شد.

نظریه برجسته‌سازی^۱

نظریه برجسته‌سازی مدعی تأثیر رسانه‌ها بر شناخت و نگرش مردم و تعیین اولویت‌های ذهنی آنان از طریق انتخاب و برجسته‌سازی بعضی از موضوعات و رویدادها در قالب خبر و گزارش خبری است. به این معنا که رسانه‌ها با برجسته ساختن بعضی از موضوعها و رویدادها، بر آگاهی و اطلاع مردم تأثیر می‌گذارند. گرچه نمی‌توانند تعیین کنند که مردم «چگونه» ببینند، اما می‌توانند تعیین کنند که «درباره چه» ببینند. (مه‌دی‌زاده، ۱۳۸۹: ۵۸)

منظور از برجسته‌سازی رسانه‌ها این است که رسانه‌ها، به‌ویژه در اخبار و گزارش‌های خبری و مستند، این قدرت را دارند که توجه عموم را به مجموعه‌ای از مسائل و موضوعات معین و محدود معطوف سازند و از مسائل و موضوعات دیگر چشم‌پوشی کنند. حاصل کار این می‌شود که بعضی از مسائل خاص توسط بسیاری

1. Agenda-setting.

از مردم در سپهر عمومی و خارج از قلمرو رسانه‌ها به بحث گذاشته می‌شود، درحالی‌که به مسائل و موضوعات دیگر توجه نمی‌شود. (همان)

زوکر این نظر را پیش کشید که آشنا بودن موضوع ممکن است عامل مهمی در وقوع یا عدم وقوع برجسته‌سازی باشد. وی استدلال کرد هرچه عامه، تجربه مستقیم کمتری نسبت به یک حوزه موضوعی خاص داشته باشند، بیشتر مجبورند برای اطلاعات درباره آن حوزه به رسانه‌های خبری متکی باشند. (سورین و تانکار، ۱۳۸۶: ۳۴۴) از آنجا که موضوع این تحقیق درباره تحولات دیگر کشورهاست و ناآشنا محسوب می‌شود، لذا طبق نظریه زوکر اثر برجسته‌سازی افزایش می‌یابد.

نظریه ساخت اجتماعی واقعیت^۱

ریشه نظریه برساخت‌گرایی در جامعه‌شناسی به کتاب برگر^۲ و لاکمن^۳ با عنوان «ساخت اجتماعی واقعیت» که در سال ۱۹۶۶ به چاپ رسیده، بازمی‌گردد. به عقیده آنان، جامعه برساخته‌ای نمادین و نتیجه عقاید، معانی و زبان است. از این منظر واقعیت اجتماعی پیوند نزدیکی با آگاهی افراد دارد. این نظریه از فلسفه علوم اجتماعی نشأت می‌گیرد و بر اساس آن تغییر پدیده‌ها وابسته به زمینه‌های اجتماعی آنهاست و مفاهیم اجتماعی ساخته ذهن افراد و روابط بین آنها هستند. برساخت‌گرایی اجتماعی در مقابل دیدگاه‌های تجربه‌گرایانه اثبات‌پذیری و ابطال‌پذیری قرار دارد و در پژوهش‌های حوزه جامعه‌شناسی معرفت تأثیر فراوانی داشته است.

از نظر برساخت‌گرایان هدف اصلی، بررسی چگونگی شکل‌گیری معنای پدیده‌هاست. به همین دلیل آنها به‌جای تمرکز بر کارکردها یا ساختارها، به فرایندهای برساخت معنا توجه دارند؛ یعنی اینکه چگونه گروه‌های مختلف مردم به ساختن معنای پدیده‌ها، رویدادها، پیام‌ها و وضعیت‌ها می‌پردازند. از منظر جامعه‌شناسی ارتباطات، رسانه‌ها نقش بسیار مهمی در چنین برساخت‌هایی دارند. (بهرامی، ۱۳۸۸: ۵۸)

یکی از مهم‌ترین ابزارها برای ساختن معنای پدیده‌ها اخبار رسانه‌هاست. «تاچمن» در کتاب *ساخت خبر*

می‌نویسد:

خبر، ساخت اجتماعی واقعیت است ... خبر یک منبع اجتماعی است که ساخت آن به گونه‌ای است که درک تحلیلی از زندگی اجتماعی را محدود می‌کند. خبر از طریق رویه‌های جاری و بر اساس ادعای صاحبان حرفه خبری در خصوص آگاهی مرسوم و ارائه گزارش‌های واقعی، وضعیت موجود را مشروعیت می‌بخشد. (سورین و تانکار، ۱۳۸۶: ۴۷۳)

فرایند ساخت اجتماعی واقعیت دارای چهار مرحله است:

1. Social Construction of Reality.
2. Berger.
3. Luckmann.

در مرحله اول، جهان مادی بازنمایی شرایط واقعی جامعه است. این یک مبنای واقعی رخدادهای و حقایقیست که قبل از ساختار و تفسیرهای اجتماعی وجود دارد. مرحله دوم تحت سلطه رقابت قرار دارد. میان برساخت‌های مختلف واقعیت بر سر اینکه کدام یک به عنوان برساخت‌های کلی و بهتر واقعیت پذیرفته شود، رقابت وجود دارد. در مرحله سوم، رسانه‌ها دانش و آگاهی در مورد جهان را توزیع و تفسیر و به عنوان عرصه اصلی رقابت در میان ساختارهای متعارض جهان از مرحله دوم، عمل می‌کنند. در مرحله چهارم، یک برساخت برتر نشأت گرفته از رقابت پدیدار می‌شود و به صورت دیدگاه عموماً پذیرفته شده جامعه از واقعیت در می‌آید. (مهدیزاده، ۱۳۸۹: ۸۰)

نظریه سازه‌انگاری^۱

نظریه سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل ریشه در نظریه مسئله جامعه‌شناسی شناخت دارد که در دهه ۱۹۷۰ از سوی پیتر برگر و توماس لاکمن در کتاب *ساخت اجتماعی واقعیت: رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت*، مطرح شد. از این منظر، واقعیت ساخته و پرداخته جامعه است. تأکید بر این است که خود کنشگران اجتماعی چگونه واقعیت را برمی‌سازند و بر مبنای آن عمل می‌کنند. پس در اینجا تعامل اجتماعی نقشی بنیادین دارد. از آنجا که این تعاملات و فرایندهای اجتماعی هستند که به هویت‌ها شکل می‌دهند، باعث حفظ آنها می‌شوند و یا آنها را دگرگون می‌سازند و همچنین این هویت‌ها هستند که بر ساختارها تأثیر می‌گذارند، انگاره هویت نقشی مهم در این برداشت پیدا می‌کند. (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۷۴)

ظهور سازه‌انگاری اجتماعی در عرصه سیاست بین‌الملل در حقیقت کوششی بوده است برای پر کردن شکاف میان خردگرایی و رویکردهای انتقادی. سازه‌انگاری نگرشی نو به نقش عقلانیت در وضعیت‌ها و پدیده‌های دسته‌جمعی انسان‌هاست و همان‌گونه که بر ساختارهای مادی و اجتماعی تأکید می‌ورزد، ساختار هنجاری و معنوی را نیز دارای اهمیت تلقی می‌کند. از لحاظ آرمان‌گرایی فلسفی، این رویکرد صرفاً بر شرایط و نیروهای مادی تکیه نکرده، بلکه بر انگاره‌ها و اندیشه‌ها تأکید می‌ورزد. (قوام، ۱۳۸۸: ۲۲۲)

مهم‌ترین اصل هستی‌شناختی سازه‌انگاری در هم‌پوشانی با این مبانی، ناظر به این است که «ساختارهای فکری و معرفتی» دست کم به اندازه «ساختارهای مادی» اهمیت دارند؛ چراکه این نظام‌های با معنا هستند که تعریف می‌کنند کنش‌گران چگونه باید محیط مادی خود را تفسیر کنند. ضمن اینکه براساس گزاره هستی‌شناختی دیگر، «هویت‌ها» به منافع و کنش‌ها شکل داده و در واقع، بخشی از رویه‌های سازنده دولت و مولد کنش‌های آن در داخل و خارج به شمار می‌آیند. (سیدنژاد، ۱۳۸۹: ۱۶۵)

البته باید توجه داشت که اعتبار همه گزاره‌های این رهیافت، یکدست یا مطلق و جامع ارزیابی نمی‌شود، بلکه به نظر می‌رسد همچون نظریه‌های دیگر دارای محدودیت‌ها و نواقص خاص خود است. از جمله اینکه

1. Constructivism.

بر اساس سازه‌انگاری، هویت‌ها بر اثر تعامل، شکل گرفته، ولی حقیقت آن است که بدون داشتن «هویت» نمی‌توان به «تعامل» پرداخت و بخشی از هویت به جای اینکه بر اساس تعامل به وجود آید، پیش از هرگونه تعاملی وجود داشته است.

رسانه‌ها و تحولات منطقه

رسانه‌ها ضمن اینکه رویدادها را به دقت زیر نظر دارند، تلقی عمومی از چگونگی جنبش‌ها و سطح گستردگی آنها را نیز شکل می‌دهند و علاوه بر اینکه منبع مهم چارچوب‌بندی جنبش‌ها و ابژه‌های آنها به شمار می‌روند، در چگونگی تفسیر آنها توسط مخاطبان نیز نقش بسزایی دارند. رسانه‌ها با کنار هم قرار دادن رویدادهای جداگانه، آنها را در چارچوب یک شیء واحد و یکپارچه به مثابه یک نوع جنبش خاص مطرح می‌کنند. شیوه‌های توصیف و ترسیم جنبش‌ها از سوی رسانه‌های جمعی بر فهم و درک اعضای خود جنبش‌ها و تصمیم‌گیری‌های آتی آنها نیز مؤثر است. گرایش جنبش‌ها برای مطرح شدن و همچنین تمایل رسانه‌ها به ارزش‌های خبری برخورد و دربرگیری غالباً منجر به ارائه تصویری مهیج از آنها در رسانه‌ها می‌شود.

مسئله آنقدرها این نیست که آیا رسانه‌های عمومی اتفاقاتی را که در جاهای دیگر رخ می‌دهد بازتاب می‌دهند، بلکه مسئله این است که آنچه در و از طریق رسانه اتفاق می‌افتد در جای دیگر رخ می‌دهد. سیطره زندگی عمومی که زمینه‌ای برای دانشی فراهم می‌ساخت که در آکادمی رخ می‌داد، اکنون به طور فزاینده‌ای رسانه‌ای می‌شود. (اری، ۱۳۸۳: ۱۸۹)

پل رورلیخ، استاد دانشگاه ورمونت با توجه به نقش فرهنگ در بررسی مفهوم «مرزهای سرزمینی» به این نتیجه رسیده است که این مفهوم دارای بار و ساختی بین‌فرهنگی است. مثلاً مسلمانان، مرزهای میان کشورهای اسلامی را با مرزهای میان این کشورها با کشورهای غیرمسلمان یکسان نمی‌دانند؛ زیرا در واقع ارزش حقوقی این مفهوم ریشه در مفاهیم وسیع‌تری چون بلاد اسلام و کفر دارد. (آشنا، ۱۳۸۳: ۲۳۶) هویت فرهنگی هر ملت از طریق شیوه‌هایی که مردم آن برای بیان آرمان‌هایشان از طریق رسانه‌ها به کار می‌برند جلوه می‌یابد و از این طریق ملت‌ها میزان قرابت‌های فرهنگی خود را با دیگر ملل مشخص می‌کنند.

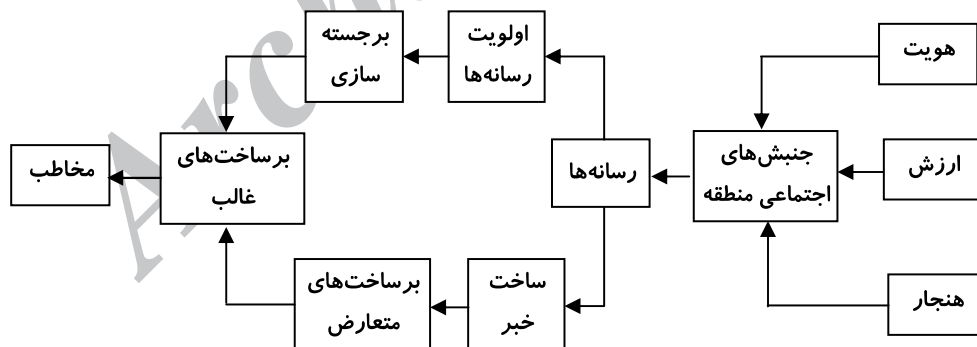
در نظریه سازه‌انگاری، معانی جمعی به ساختارهای اجتماعی شکل می‌دهند و با مشارکت در این معانی هویت شکل می‌گیرد. هویت اجتماعی مجموعه معانی‌ای هستند که یک کنشگر با توجه به دیگران به خود نسبت می‌دهد و با توجه به آن، تحول هویت‌های فردی به جمعی رخ می‌دهد. اعمال مرزهای تحمیلی پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی توسط دول غربی نتوانسته است هویت شکل گرفته از معانی جمعی مشترک در کشورهای منطقه را نابود سازد و تأثیرکنشگران اجتماعی بر یکدیگر را از بین ببرد. عقیده عمیق و دلبستگی دیرین مردم کشورهای منطقه به اسلام، علی‌رغم فشارها و محدودیت‌ها و رواج و زنده بودن اسلام و شروع حرکت مردم از نمازهای جمعه و مساجد و تأکید آنها بر ارزش‌ها و شعارهای اسلامی نشان از این دارد که این

هویت اسلامی می‌باشد که حلقه اصلی قوام جنبش‌هاست.

آنچه مردم می‌خواهند وابسته به این است که با که تعامل دارند، تا چه حد به دیگران وابسته هستند، در فرایند تعامل چه می‌آموزند و چگونه به اولویت‌ها و دعاوی خود نسبت به دیگران مشروعیت می‌بخشند. کنشگران بین‌المللی درون ساختارهای معنایی‌ای عمل می‌کنند که تجسم هنجارهای خاصی هستند و کنشگرانی که در آنها عمل می‌کنند از طریق فرایند جامعه‌پذیری می‌آموزند که باید چه اولویت‌هایی داشته باشند. (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۸۰) در جریان این تعاملات و هنجارهای مشترک، ملل اسلامی به پا خاسته و جنبش‌های اسلامی از کشوری به کشوری دیگر صادر می‌شوند؛ چراکه همگی آنها، امتی واحدند و فرهنگ، تاریخ، زبان و ارزش‌های مشترکی دارند. البته با توجه به اهمیت منطقه و منابع عظیم و ژئوپولیتیک آن نباید از تلاش‌های بیگانگان برای نفوذ در منطقه و انحراف در جنبش‌ها غافل بود.

مدل نظری تحقیق

رسانه‌ها با انتخاب اولویت‌های خبری و نادیده گرفتن بخش‌های دیگری از تحولات منطقه، زوایایی از آنها را در ذهن مخاطب برجسته می‌کنند. از آنجا که مخاطب ایرانی ارتباطی عینی با رویدادهای کشورهای مورد بررسی ندارد، لذا نقش رسانه‌ها در ساخت واقعیت اجتماعی آنها پررنگ‌تر شده و به رسانه‌ها محدود می‌شود. همان‌گونه که تاچمن اشاره کرده، مطبوعات با ساخت خبر، تصویری از آن رویدادها ارائه می‌دهند، به گونه‌ای که برساختی نمادین از واقعیات ساخته می‌شود. در جامعه آماری این تحقیق، هر روزنامه برساختی از واقعیات کشورهای مورد بررسی را نشان می‌دهد و در نهایت در توزیع اخبار، تفسیر آنها و ایجاد برساخت‌های متعارض از آنها، برساختی غالب از رویدادهای صورت گرفته در ذهن مخاطبان ایرانی شکل می‌گیرد. انتخاب سازه‌انگاری برای بررسی حوادث منطقه نیز به دلیل توجه این رویکرد به اهمیت هویت، ارزش‌ها و هنجارهاست. با استفاده از نظریات برجسته‌سازی، برساخت‌گرایی و سازه‌انگاری مدل نظری تحقیق به شکل زیر خواهد بود:



نمودار شماره ۱: مدل نظری تحقیق

با توجه به اهمیت هویت و ارزش‌های اسلامی در حوادث منطقه و نقش دیگر دولت‌ها، متغیرهای «ماهیت جنبش‌ها از حیث عربی یا اسلامی بودن»، «اشاره به اختلافات شیعه و سنی»، «منشأ و علل جنبش‌ها» و «دولت‌های دخالت‌کننده در حوادث کشورها» در مطبوعات مورد بررسی قرار می‌گیرند.

روش تحقیق

روش به کار رفته در این تحقیق تحلیل محتوای کمی است. از آنجا که حوادث یمن و بحرین از بهمن ۸۹ و سوریه از فروردین ۹۰ در مطبوعات کشور منعکس شده‌اند، روزنامه‌ها در یک دوره ۶ ماهه از ابتدای بهمن ۸۹ تا آخر تیر ۹۰ بررسی شده‌اند. نمونه‌گیری با روش طبقه‌بندی شده سیستماتیک انجام شده و واحد تحلیل خبر در نظر گرفته شده است.

به دلیل اینکه بسیاری از اعتراضات مردمی در جمعه‌ها و هم‌زمان با برپایی نماز جمعه بوده، باید روشی برای نمونه‌گیری مورد استفاده قرار گیرد که روزهای هفته در آن لحاظ شود، از طرفی از آنجا که ممکن است خطمشی روزنامه‌ها در قبال حوادث مورد بررسی دچار تغییراتی شده باشد، ماه را هم باید مورد توجه قرار داد، لذا روشی که کاظم معتمدنژاد برای تحلیل محتوای مطبوعات در کتاب *روش تحقیق در محتوای مطبوعات* براساس نمونه‌گیری ۶۰ شماره‌ای در سال معرفی کرده‌اند، بدین منظور انتخاب شد. (معتمدنژاد، ۱۳۵۶: ۲۱۱) در این روش از هر پنج روز غیر تعطیل، یک روز به صورت تصادفی انتخاب می‌شود. چون اخبار مربوط به حوادث جمعه در روزهای شنبه و یکشنبه در مطبوعات منعکس می‌شد، لذا این انتخاب به گونه‌ای صورت گرفت که از:

شنبه: ۶ روز؛ یکشنبه: ۵ روز؛ دوشنبه، سه‌شنبه، چهارشنبه و پنجشنبه، هر کدام ۴ روز داشته باشیم. در نتیجه ۲۷ روز از ۶ ماه انتخاب شد و با احتساب اخبار مربوط به بحرین، یمن و سوریه در صفحات خارجی روزنامه‌ها، نمونه‌ای با حجم ۶۰۸ خبر به دست آمد.

یافته‌های تحقیق

الف) متغیرها

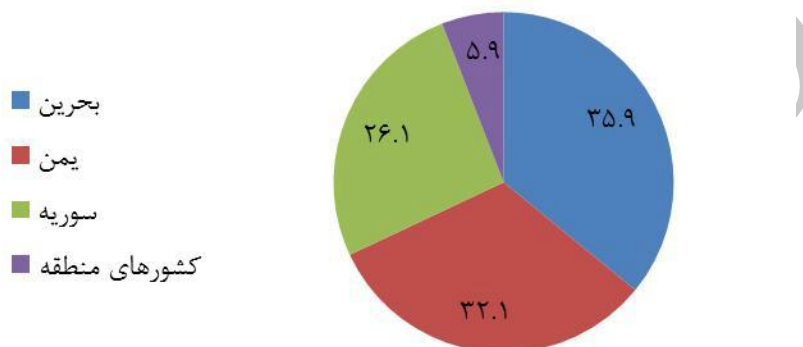
در این بخش نتایج تحقیق با توجه به متغیرهای مورد بررسی بیان می‌شود.

۱. فراوانی اخبار کشورها: در مطبوعات کشور ۳۵/۹ درصد اخبار مربوط به بحرین، ۳۲/۱ درصد یمن، ۲۶/۱ درصد سوریه و ۵/۹ درصد مربوط به حوادث کشورهای منطقه به طور مشترک است. بین سه کشور، بحرین بیشترین درصد و سوریه کمترین فراوانی را دارد. اخباری که به بررسی مجموع کشورهای در منطقه که دستخوش تحولات شده‌اند، بدون تفکیک آنها پرداخته‌اند، با عنوان کشورهای منطقه بررسی می‌شوند.

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی اخبار کشورهای مورد بررسی در مطبوعات

کشور مورد بررسی	فراوانی	درصد فراوانی
بحرین	۲۱۸	۳۵.۹
یمن	۱۹۵	۳۲.۱
سوریه	۱۵۹	۲۶.۱
کشورهای منطقه	۳۶	۵.۹
مجموع	۶۰۸	۱۰۰۰

نمودار شماره ۲: توزیع فراوانی اخبار کشورهای مورد بررسی در مطبوعات



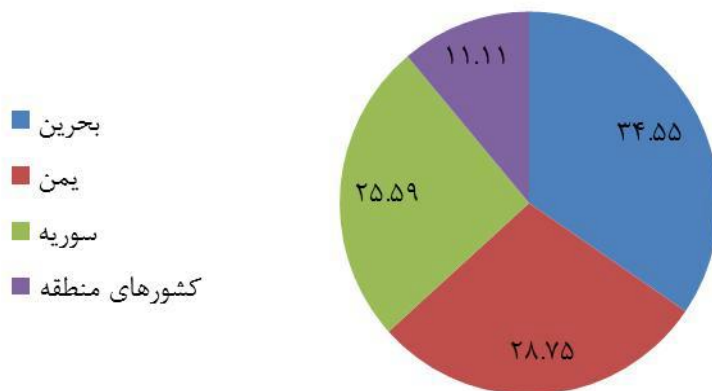
۲. حجم مطلب در روزنامه‌ها: حجم مطلب بر حسب سانتی‌متر ستونی محاسبه شده است. بیشترین حجم مطلب در مطبوعات کشور، مربوط به بحرین می‌باشد که در ۳۴/۵۵ درصد اخبار به آن اشاره شده است. ۲۸/۷۵ درصد اخبار مربوط به یمن بوده و سوریه ۲۵/۵۹ درصد اخبار را به خود اختصاص داده است و ۱۱/۱۱ درصد اخبار، مربوط به کشورهای منطقه به طور مشترک بوده است.

جدول شماره ۲: حجم مطلب مربوط به اخبار کشورهای

مورد بررسی در مطبوعات

کشور مورد بررسی	حجم مطلب	درصد ستونی
بحرین	۳۱۶۵.۲۴	۳۴.۵۵
یمن	۲۶۳۳.۵۳	۲۸.۷۵
سوریه	۲۳۴۴.۱۷	۲۵.۵۹
کشورهای منطقه	۱۰۱۷.۵۹	۱۱.۱۱
مجموع	۹۱۶۰.۵۳	۱۰۰

نمودار شماره ۳: حجم مطلب مربوط به اخبار کشورهای مورد بررسی در مطبوعات



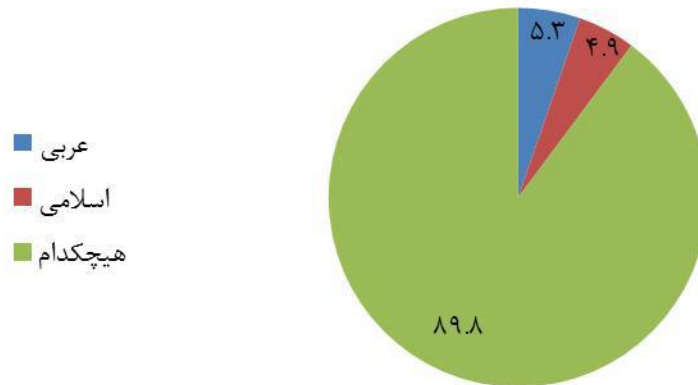
با توجه به اینکه در ماه‌های اسفند و بهمن هنوز حوادث سوریه شروع نشده بوده، به منظور مقایسه بهتر، حجم مطلب را با حذف این دو ماه نیز اندازه‌گیری می‌کنیم. با حذف این دو ماه، سوریه ۳۱/۴۳، بحرین ۳۰/۲۷ و یمن ۲۲/۷ درصد حجم اخبار را به خود اختصاص داده‌اند. بنابراین، سوریه بیشترین حجم خبر را در مطبوعات داشته است.

۳. ماهیت جنبش‌ها از حیث عربی یا اسلامی بودن: در ۵/۳ درصد اخبار به عربی بودن جنبش‌ها اشاره شده است که ۰/۴ درصد بیشتر از اشاره به اسلامی بودن جنبش‌ها می‌باشد و در حدود ۹۰ درصد اخبار نیز به ماهیت جنبش‌ها اشاره نشده است. در اخبار بحرین اشاره به اسلامی بودن با ۱۰/۶ درصد بیشتر از عربی بودن است و در اخبار یمن هر دو ۱/۵ درصد می‌باشند. در اخبار سوریه، عربی بودن با ۲/۵ درصد بیشتر از اسلامی بودن است. در اخبار کشورهای منطقه، عربی بودن با ۵۲/۸ درصد اختلاف بالایی با اسلامی بودن با فراوانی ۸/۳ درصد دارد.

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی ماهیت جنبشها در اخبار کشورهای مورد بررسی

کشور مورد بررسی										ماهیت جنبش
مجموع		کشورهای منطقه		سوریه		یمن		بحرین		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۵.۳	۳۲	۵۲.۸	۱۹	۲.۵	۴	۱.۵	۳	۲.۸	۶	عربی
۴.۹	۳۰	۸.۳	۳	۰.۶	۱	۱.۵	۳	۱۰.۶	۲۳	اسلامی
۸۹.۸	۵۴۶	۳۸.۹	۱۴	۹۶.۹	۱۵۴	۹۶.۹	۱۸۹	۸۶.۷	۱۸۹	هیچ‌کدام
۱۰۰.۰	۶۰۸	۱۰۰.۰	۳۶	۱۰۰.۰	۱۵۹	۱۰۰.۰	۱۹۵	۱۰۰.۰	۲۱۸	مجموع

نمودار شماره ۴: توزیع فراوانی ماهیت جنبش‌ها در مجموع اخبار کشورهای مورد بررسی



۴. موضوعات برجسته شده در اخبار: در حوادث بحرین «اشاره به مظلومیت و طرفداری از مردم» با ۷۶/۶ درصد، در حوادث یمن اشاره به «مظلومیت و طرفداری از مردم با ۶۲/۶ درصد» و در حوادث سوریه «طرفداری از دولت» با ۵۹/۱ درصد در اولویت قرار گرفته و برجسته شده‌اند. «جنگ و مشکلات داخلی» و «مقاومت مردم و معترضین» در یمن؛ «اظهار خشم مردم» در بحرین و «اشاره به تعداد کشته‌ها و زخمی‌ها»، «دخاله دیگر دولت‌ها در کشورهای مورد نظر» و «اشاره به گروهک‌های تروریستی» در سوریه در اولویت قرار گرفته‌اند.

۵. منشأ و علل جنبش‌ها: با بررسی منشأ جنبش، در حوادث بحرین و یمن و اخبار کشورهای منطقه «استبداد» به ترتیب با ۱۸/۸، ۲۷/۳ و ۲۷/۸ درصد و در حوادث سوریه «تحریکات بیگانه» با ۳۲/۱ درصد بیشترین فراوانی را داشته‌اند. در کل «استبداد» با ۱۹/۶ درصد بیشترین فراوانی و «بیداری اسلامی» با دو درصد کمترین فراوانی را دارا بوده‌اند. در حوادث بحرین در ۲/۳ درصد اخبار و در حوادث یمن در ۱/۵ درصد اخبار به «بیداری اسلامی» اشاره شده است. «مشکلات اقتصادی» و «فساد دولتی» در یمن، «تبعیض قومی»، «محدودیت آزادی‌های عمومی» و «وابستگی دولت به بیگانگان» در بحرین و «اصلاحات قانون اساسی» در سوریه بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

۶. جانبداری از یکی از طرفین: بیشترین جانبداری از معترضان در حوادث بحرین با ۵۳/۲ درصد و از دولت در حوادث سوریه با ۳۸/۴ درصد می‌باشد. بیشترین بی‌طرفی مربوط به حوادث یمن با ۶۳/۱ درصد است. در حدود ۴۰ درصد از اخبار مربوط به سوریه، از دولت حمایت شده و بیش از ۵۰ درصد اخبار نیز بی‌طرفانه بوده‌اند. تغییر موضع روزنامه‌ها نسبت به دولت سوریه نکته‌ای جالب توجه است، به گونه‌ای که اکثر روزنامه‌ها اوایل از دولت حمایت بیشتری داشته‌اند.

۷. منبع خبر: بیشترین ارجاع در خبرها به «شبکه تلویزیونی الجزیره» بوده که در ۱۴/۳ درصد اخبار به آن اشاره شده است. بین خبرگزاری‌های داخلی بیشتر از همه نام خبرگزاری فارس ذکر شده که در ۱۰/۴ درصد

اخبار آمده است. بین خبرگزاری‌های غربی نیز بیشترین ارجاع به خبرگزاری رویترز بوده که در ۷/۷ درصد اخبار به آن اشاره شده است. در ۲۵/۲ درصد اخبار نیز نام هیچ منبعی ذکر نشده است.

۸. اشاره به اختلافات شیعه و سنی: ۸۶/۲ درصد اخبار به اختلافات شیعه و سنی اشاره نداشته‌اند، درحالی‌که در ۱۳/۸ درصد اخبار، به اختلافات شیعه و سنی اشاره شده است. از مجموع اخباری که به اختلافات شیعه و سنی اشاره داشته‌اند، ۸۴/۵ درصد اخبار آنها مربوط به بحرین، ۷/۱ درصد مربوط به سوریه، ۴/۸ درصد مربوط به کشورهای منطقه و فقط ۳/۶ درصد مربوط به یمن بوده‌اند.

۹. تیترو خبر: ۹۳/۶ درصد اخبار تیترو داشته‌اند و فقط ۶/۴ درصد بدون تیترو بوده‌اند. ۷۴/۷ درصد اخبار در تیترو خود سوگیری نداشته‌اند و ۲۵/۳ درصد آنها دارای سوگیری بوده‌اند.

۱۰. استفاده از تصویر در کنار خبر: در ۴۲/۱ درصد اخبار از تصویر، عکس یا نقشه در کنار خبر استفاده شده و در ۵۷/۹ درصد آنها از تصویر، عکس یا نقشه استفاده نشده است.

۱۱. دخالت دیگر دولت‌ها در کشورهای مورد بررسی: در مطبوعات کشور، دولتی که بیشترین دخالت را در حوادث بحرین داشته عربستان با ۳۷/۳ درصد می‌باشد. در حوادث یمن بیشترین دخالت را آمریکا با ۲۲/۶ درصد داشته، در حوادث سوریه بیشترین دخالت را آمریکا با ۳۰/۲ درصد داشته و در اخباری که به حوادث کشورهای منطقه به طور مشترک پرداخته‌اند، آمریکا با ۵۸/۳ درصد بیشترین دخالت را در اوضاع منطقه داشته است.

۱۲. راه حلی که برای حل بحران کشورها در خبر به آن اشاره شده است: در ۳۴ درصد اخبار به راه حل دیپلماتیک و ۹/۴ درصد اخبار به راه حل مبارزه اشاره شده است. راه حل دیپلماتیک برای حل بحران کشورها ۳/۶ برابر راه حل مبارزه بوده است. در اخبار هر یک از سه کشور و اخبار کشورهای منطقه راه حل «دیپلماتیک» بیش از مبارزه ارائه شده است. این راه حل بیشتر در سوریه با ۴۲/۸ درصد و کمتر در بحرین با ۲۶/۶ درصد ارائه شده است.

ب) بررسی تفکیکی روزنامه‌ها

برای پرهیز از اطاله مقاله و به منظور بررسی نحوه تأثیر گرایش‌های سیاسی مطبوعات بر چگونگی انعکاس تحولات کشورهای سه گانه، در این بخش به ارائه تفصیلی نتایج تحلیل پنج روزنامه (از ده روزنامه بررسی شده) که دارای گرایش‌های آشکار اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی می‌باشند، می‌پردازیم.

۱. شرق: این روزنامه بیشترین تعداد اخبار سوریه با فراوانی ۳۵/۱ درصد را دارا می‌باشد. تنها روزنامه‌ای است که در آن استفاده از منابع غربی بیشتر از دیگر منابع بوده است. «خبرگزاری رویترز» و «بی‌بی‌سی» هرکدام با فراوانی ۱۸/۹ درصد بیشترین منبع هستند. «خبرگزاری ایسنا»، «شبکه تلویزیونی الجزیره» و «خبرگزاری فرانسه» نیز هرکدام با فراوانی ۱۰/۸ درصد در مرتبه بعدی قرار دارند.

در حوادث بحرین موضوعات «دخالت دیگر دولت‌ها در کشورهای مورد نظر»، «اشاره به تعداد کشته‌ها و زخمی‌ها» و «تلفات نیروهای دولتی و متحدان آنها» هر کدام با فراوانی ۲۷/۳ درصد؛ در یمن «اشاره به تعداد کشته‌ها و زخمی‌ها» با فراوانی ۳۶/۴ درصد، «اظهار خشم مردم از اقدامات دولت» با فراوانی ۲۷/۳ درصد و «نافرمانی مدنی، اعتصاب و تعطیلی ادارات» با فراوانی ۱۸/۲ درصد و در سوریه «اشاره به تعداد کشته‌ها و زخمی‌ها» با فراوانی ۶۹/۲ درصد، «اشاره به نوع سلاح‌های نیروهای دولتی و متحدین آنها» با فراوانی ۳۸/۵ درصد و «تلفات نیروهای دولتی و متحدان آنها» با فراوانی ۳۰/۸ درصد برجسته شده‌اند. روزنامه شرق بیشترین حجم مطلب خود را به سوریه و کمترین را با اختلاف زیادی به بحرین اختصاص داده است. روزنامه شرق بیشترین اشاره به اختلافات شیعه و سنی با فراوانی ۲۱/۶ درصد را داشته است.

شرق در ۲۳/۱ درصد اخبار خود از معترضان سوریه حمایت کرده که بیشترین فراوانی را نسبت به دیگر روزنامه‌ها دارد. در حوادث سوریه، شرق ابتدا از دولت طرفداری کرده و در ماه‌های بعد رویکردی دوجانبه در پیش گرفته و گاهی از معترضان و گاهی از دولت حمایت کرده است. روزنامه شرق در ۱۰/۸ درصد اخبار خود به «عربی بودن جنبش‌ها» اشاره کرده که بیشترین فراوانی را نسبت به دیگر روزنامه‌ها داشته است. این روزنامه در ۲۷/۳ درصد اخبار بحرین «تبعیض قومی» را عامل جنبش دانسته که نسبت به دیگر روزنامه‌ها بیشترین فراوانی این عامل در حوادث بحرین است. در حوادث یمن نیز «استبداد» با ۵۴/۵ درصد بیشترین فراوانی را داشته و در حوادث سوریه «تحریکات بیگانه» با ۳۰/۸ درصد و در مجموع «استبداد» با ۲۱/۶ درصد بیشترین فراوانی را داشته است.

با توجه به محتوای روزنامه شرق، در حوادث بحرین دخالت بیگانگان، یمن تعداد کشته‌ها و جنگ داخلی و سوریه تعداد کشته‌ها در اولویت هستند. شرق در حوادث بحرین تبعیض قومی را بیشترین منشأ جنبش دانسته که این آمار با بیشترین اشاره به اختلافات شیعه و سنی در این روزنامه هم‌خوانی دارد.

۲. آفتاب یزد: کمترین تعداد اخبار بحرین با فراوانی ۲۷ درصد را دارا است. «خبرگزاری مهر» با فراوانی ۲۷ درصد بیشترین منبع آن است. پس از آن «خبرگزاری فارس» با فراوانی ۲۴/۳ درصد و «خبرگزاری ایسنا» با فراوانی ۲۱/۶ درصد قرار دارد که همگی داخلی هستند. آفتاب یزد تنها روزنامه‌ای است که تمامی اخبار آن با ذکر منبع بوده است.

در حوادث بحرین موضوعات «اظهار خشم مردم از اقدامات دولت» با فراوانی ۵۰ درصد، «کارکرد منفی اصلاحات دولت» و «دخالت دیگر دولت‌ها» هر کدام با فراوانی ۴۰ درصد؛ در یمن «اظهار خشم مردم از اقدامات دولت» با فراوانی ۶۹/۲ درصد، «پیش‌بینی افزایش درگیری‌ها» با فراوانی ۳۸/۵ درصد و «کارکرد منفی اصلاحات دولت» با فراوانی ۳۰/۸ درصد می‌باشد و در سوریه «اظهار خشم مردم» با فراوانی ۶۶/۷ درصد، «پیش‌بینی افزایش درگیری‌ها» و «اشاره به تعداد کشته‌ها و زخمی‌ها» هر کدام با فراوانی ۵۸/۳ درصد

برجسته شده‌اند. روزنامه آفتاب یزد بیشترین حجم مطلب خود را به یمن و کمترین را به سوریه اختصاص داده است. در بازتاب حوادث یمن فقط در ۷/۷ درصد اخبار خود از معترضان حمایت کرده و در بقیه بی‌طرف بوده است که بیشترین درصد بی‌طرفی نسبت به دیگر روزنامه‌ها است. رویکرد این روزنامه در حوادث سوریه بیشتر بی‌طرفی بوده است. آفتاب یزد در هیچ خبری به اسلامی بودن جنبش‌ها اشاره نکرده است.

با بررسی منشأ جنبش، در حوادث بحرین بیشترین فراوانی مربوط به «استبداد» با ۳۰ درصد، در یمن «استبداد» با ۲۳/۱ درصد، در سوریه «استبداد» با ۲۵ درصد و در مجموع «استبداد» با ۲۴/۳ درصد می‌باشد. آفتاب یزد در تمامی کشورها بیشترین اشاره را در محتوای خبر به خشم مردم و در منشأ جنبش به استبداد دارد. لذا منش این روزنامه بیشتر تأکید بر مبارزه با حکومت‌های دیکتاتور بوده است.

۳. همشهری: منابع داخلی جزو سه اولویت اول آن نیستند. «شبکه تلویزیونی الجزیره» با فراوانی ۲۰/۳ درصد بیشترین منبع خبری می‌باشد و پس از آن با فاصله زیاد «خبرگزاری فرانسه» با فراوانی ۸/۵ درصد و «خبرگزاری رویترز» با فراوانی ۶/۸ درصد قرار دارند. در حوادث بحرین، موضوعات «اظهار خشم مردم» با فراوانی ۶۸/۴ درصد، «دخالیت دیگر دولت‌ها» با فراوانی ۵۷/۹ درصد و «کشته و زخمی شدن غیر نظامیان» با فراوانی ۴۷/۴ درصد؛ در یمن «اظهار خشم مردم» با فراوانی ۷۰ درصد، «مقامت مردم» با فراوانی ۴۵ درصد و «کشته و زخمی شدن غیر نظامیان» با فراوانی ۸ درصد و در سوریه «دخالیت دیگر دولت‌ها» با فراوانی ۵۳/۸ درصد، «کشته و زخمی شدن غیر نظامیان» با فراوانی ۴۶/۲ درصد و «کارکرد مثبت اصلاحات دولت» با فراوانی ۳۸/۵ درصد برجسته شده‌اند.

روزنامه همشهری بیشترین حجم مطلب خود را به یمن و کمترین حجم را به سوریه و بحرین اختصاص داده است. این روزنامه حمایتی از معترضان در حوادث سوریه نداشته است. ابتدا از دولت سوریه طرفداری کرده، سپس رویکردی بی‌طرفانه در پیش گرفته است. با بررسی منشأ جنبش در حوادث بحرین بیشترین فراوانی مربوط به «استبداد» با ۲۶/۳ درصد، در یمن «استبداد» با ۳۵ درصد، در سوریه «تحریکات بیگانگان» با ۳۸/۵ درصد و در مجموع «استبداد» با ۲۵/۴ درصد می‌باشد.

همشهری در محتوای اخبار بحرین و یمن خشم مردم و در سوریه تحریکات بیگانه و در منشأ جنبش در بحرین و یمن استبداد و در سوریه تحریکات بیگانه را در اولویت قرار داده است. لذا سیاست این روزنامه با توجه به هم‌خوانی داده‌ها مشخص می‌باشد. در بحرین و یمن مبارزه با حکومت‌های دیکتاتور و در سوریه نقش بیگانگان در این روزنامه مورد توجه قرار گرفته است.

۴. کیهان: «خبرگزاری فارس» با فراوانی ۱۴/۹ درصد بیشترین منبع این روزنامه می‌باشد و پس از آن «خبرگزاری ایرنا» با فراوانی ۷/۵ درصد و سپس «شبکه تلویزیونی الجزیره» و «خبرگزاری‌های فرانسه و ایسنا» هر کدام با فراوانی ۶ درصد قرار دارند. استفاده از خبرگزاری فارس تقریباً ۲ برابر اولویت‌های بعدی می‌باشد.

در حوادث بحرین، موضوعات «اظهار خشم مردم» با فراوانی ۹۲ درصد، «مقاومت مردم» با فراوانی ۷۲ درصد و «دخالت دیگر دولت‌ها» با فراوانی ۶۸ درصد؛ در یمن «اظهار خشم مردم» با فراوانی ۸۷/۵ درصد، «مقاومت مردم» با فراوانی ۵۸/۳ درصد و «کشته و زخمی شدن غیرنظامیان» با فراوانی ۵۴/۲ درصد و در سوریه «دخالت دیگر دولت‌ها» با فراوانی ۸۸/۹ درصد، «کارکرد مثبت اصلاحات دولت» با فراوانی ۴۴/۴ درصد و «کشته و زخمی شدن غیرنظامیان» با فراوانی ۳۳/۳ درصد برجسته شده‌اند. روزنامه کیهان بیشترین حجم مطلب خود را به بحرین و کمترین را با اختلاف بالایی به سوریه اختصاص داده است. این روزنامه بیشترین درصد فراوانی را در دخالت دولت‌های عربستان، آمریکا، انگلیس و اسرائیل دارد و به ترتیب در ۳۲/۸، ۴۴/۸، ۱۶/۴ و ۱۰/۴ درصد اخبار خود به آنها اشاره کرده است. در مجموع کمترین بی‌طرفی در کل اخبار مربوط به کیهان با فراوانی ۶ درصد است. در حوادث سوریه کیهان ابتدا به ندرت از معترضان حمایت کرده، سپس عمدتاً از دولت سوریه حمایت کرده است. همچنین در ۱۱/۹ درصد اخبار خود به اسلامی بودن جنبش‌ها اشاره می‌کند که بیشترین فراوانی نسبت به دیگر روزنامه‌ها می‌باشد. کیهان در ۳۲/۸ درصد اخبارش به راه‌حل مبارزه که بیشترین در مقایسه با دیگر روزنامه‌ها است، اشاره می‌کند. با بررسی منشأ جنبش در حوادث بحرین، «استبداد» با ۴۴ درصد، در یمن «استبداد» با ۶۶/۷ درصد، در سوریه «تحریکات بیگانه» با ۷۷/۸ درصد که بیشترین را بین دیگر روزنامه‌ها دارا است و در مجموع استبداد با ۴۰/۳ درصد بیشترین فراوانی را دارند.

کیهان در محتوای اخبار بحرین و یمن خشم مردم و در منشأ جنبش، استبداد و در سوریه نقش بیگانگان را در محتوای اخبار مورد توجه قرار داده است. لذا این روزنامه در یمن و بحرین مبارزه با حکومت‌های دیکتاتور و در سوریه نقش بیگانگان را مورد توجه قرار داده است. بنابراین، سیاست آن با داشتن بیشترین عامل دخالت بیگانگان و وابستگی دولت به بیگانگان و همچنین توجه به اسلام در اخبار مشخص است.

۵. ایران: بیشترین تیترهای دارای سوگیری مربوط به روزنامه ایران با فراوانی ۴۷/۷ درصد از کل آنها است. بیشترین اخبار بدون ذکر منبع مربوط به آن با فراوانی ۶۶/۲ درصد بوده است. تنها روزنامه‌ای است که هیچ ارجاعی به «خبرگزاری دولتی سوریه (سانا)» نداشته است. در حوادث بحرین موضوعات «اظهار خشم مردم» با فراوانی ۴۵ درصد، «دخالت دیگر دولت‌ها» با فراوانی ۳۰ درصد و «محاصره شهرها توسط نیروهای دولتی» و «اشاره به نوع سلاح‌های نیروهای دولتی» هر کدام با فراوانی ۲۵ درصد؛ در یمن «اشاره به تعداد کشته‌ها و زخمی‌ها» با فراوانی ۴۷/۸ درصد، «اظهار خشم مردم» با فراوانی ۳۴/۸ درصد و «نتایج منفی نشست برای حل بحران» با فراوانی ۲۶/۱ درصد و در سوریه «دخالت دیگر دولت‌ها» با فراوانی ۳۳/۳ درصد، «تلفات نیروهای دولتی» و «اشاره به تعداد کشته‌ها و زخمی‌ها» هر کدام با فراوانی ۲۶/۷ درصد برجسته شده‌اند.

روزنامه ایران بیشترین حجم مطلب خود را به یمن و کمترین حجم را با اختلاف بالایی به سوریه اختصاص داده است. در حوادث سوریه ابتدا فقط از دولت حمایت کرده، بعد طرفین و در نهایت یا از دولت

حمایت کرده و یا بی طرف بوده است. با بررسی منشأ جنبش در حوادث بحرین بیشترین فراوانی‌ها مربوط به «تبعیض قومی»، «مشکلات اقتصادی» و «فساد دولتی» هر کدام با ۱۰ درصد؛ در یمن «فساد دولتی» و «استبداد» هر کدام با ۱۳/۶ درصد؛ در سوریه «تحریکات بیگانه» با ۴۰ درصد و در مجموع «تحریکات بیگانه» با ۱۰/۹ درصد است.

ایران در بحرین ششم مردم؛ یمن تعداد کشته‌ها و سوریه دخالت بیگانگان را در اولویت محتوای اخبار قرار داده است. در بحرین سه عامل تبعیض قومی، مشکلات اقتصادی و فساد دولتی؛ در یمن استبداد و در سوریه، تحریکات بیگانه را مورد توجه قرار داده است. لذا در حوادث یمن مبارزه با استبداد و در سوریه نقش بیگانگان مورد توجه قرار گرفته است، ولی در حوادث بحرین جهت‌گیری مشخصی ندارد.

نتیجه

حدود ۲۵ درصد اخباری که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت، بدون ذکر منبع خبر بوده‌اند، رعایت ذکر منابع خبری به منظور مستند نوشتن، امری ضروریست؛ چراکه مطالب مطبوعات در مقوله حساسی نظیر سیاست خارجی به عنوان یکی از اسناد تاریخی وقایع روز، در سال‌های آتی مورد توجه مورخان و آیندگان قرار خواهند گرفت. مطبوعات با ذکر منابع خبری در اخبار، علاوه بر رعایت حقوق مؤلفان، می‌توانند به جلب اعتماد مخاطب و مستندسازی نیز بپردازند.

حدود شش درصد کل اخبار بررسی شده به بررسی حوادث کشورهای منطقه به طور مشترک پرداخته‌اند، این مقدار بسیار پایین نشان می‌دهد، توجه مطبوعات به ارائه تحلیل‌های جامع از زوایای گوناگون درباره حوادث منطقه بسیار اندک بوده و بیشتر به انعکاس وقایع روزانه هر کشور پرداخته‌اند.

نظر به اینکه در حدود ۹۰ درصد اخبار به هویت - چه عربی و چه اسلامی - توجه نشده و اشاره به عربی بودن نیز اندکی بیش از اسلامی بودن بوده است و فقط در دو درصد اخبار به بیداری اسلامی اشاره شده است، به نظر می‌رسد پرداختن به ساختار اجتماعی - فرهنگی، ارزش‌ها و هویت ملت‌ها در انعکاس اخبار کشورهای منطقه موضوعی است که مورد توجه مطبوعات قرار نگرفته است.

بیشترین ارجاع در حوادث بحرین و یمن به «شبکه تلویزیونی الجزیره» بوده و این در حالی است که این شبکه با همراهی با دولت قطر بخشی از حوادث بحرین را سانسور خبری کرده است. بیشترین ارجاع در حوادث سوریه مربوط به «خبرگزاری دولتی سوریه (سانا)» می‌باشد. با توجه به اینکه این خبرگزاری وابسته به دولت سوریه است، استفاده بیشتر از اخبار آن نشان‌دهنده هم‌گرایی مواضع مطبوعات با دولت این کشور می‌باشد. این در حالی است که ارجاع به خبرگزاری دولتی بحرین بسیار کم بوده و به خبرگزاری دولتی یمن هیچ ارجاعی نشده است. منابع داخلی در صدر ارجاع روزنامه‌ها در کل درباره هر یک از کشورها نیستند و روزنامه‌ها توجه کافی به خبرگزاری‌های داخلی به عنوان منبع اخبار خود نداشته‌اند.

«اظهار خشم مردم»، بعد از آن «اشاره به تعداد کشته‌ها و زخمی‌ها» و سپس «دخالتهای دیگر دولت‌ها»، موضوعات اصلی برجسته شده در اخبار مطبوعات هستند. لذا به نظر می‌رسد، مطبوعات ناراضی مردم از وضع موجود، ارزش خبری برخورد و عوامل دخالت‌کننده بیرونی را در اولویت قرار داده‌اند. دو عامل اول در هر کشوری بدون داشتن ویژگی‌های کشورهای منطقه می‌توانند به عنوان اولویت قرار گیرند.

در حوادث بحرین «کشته و زخمی شدن غیر نظامیان»، «کشته و زخمی شدن یا اسارت زنان و کودکان»، «اظهار خشم مردم»، «پیش‌بینی افزایش درگیری‌ها»، «محاصره شهرها توسط نیروهای دولتی»، «ناتوانی دولت»، «نوع سلاح‌های نیروهای دولتی»، «کارکرد منفی اصلاحات دولت»، «حمایت مردمی سایر کشورها از معترضان»، «تهدید و ارباب زخمیان و گروه‌های پزشکی»، «تعطیلی رسانه‌ها»، «بی‌احترامی به مقدسات»، «سکوت سایر جوامع» و «محاکمه غیرعادلانه فعالان سیاسی» درصد فراوانی بیشتری نسبت به دیگر کشورها دارند. درحالی که «تلفات نیروهای دولتی»، «حملات معترضان» و «حمایت مردم از دولت» کمترین فراوانی را نسبت به دیگر کشورها دارند. این نتایج بیانگر پرداختن به مظلومیت مردم بحرین و حمایت مطبوعات از معترضان نسبت به دیگر کشورها است. در نتایج تحقیق لاسول در تحلیل محتوای پروپاگاندای رسانه‌های متحدین در جنگ جهانی دوم نیز موضوعات «قاتلان بچه‌ها» و «قساوت‌کنندگان در برابر غیرنظامیان» از مواردی بودند که رسانه‌های متحدین در جنگ با آلمان‌ها برای توصیف خشونت آلمان‌ها بر آنها تأکید می‌کردند.

در حوادث یمن «کناره‌گیری کارگزاران دولتی و پیوستن آنها به انقلابیان»، «فرار و خروج سران»، «نافرمانی مدنی»، «جنگ داخلی» و «مشکلات اقتصادی» بیشترین فراوانی و «دخالتهای دیگر دولت‌ها» کمترین فراوانی را دارند. لذا به نظر می‌رسد، مطبوعات کشور حوادث این کشور را بیشتر به صورت کشوری که درگیر جنگ و مشکلات داخلی و اختلافات قبیله‌ای است، بازتاب داده‌اند.

در حوادث سوریه «اشاره به تعداد کشته‌ها و زخمی‌ها»، «تلفات نیروهای دولتی»، «کارکرد مثبت اصلاحات دولت»، «حملات به نیروهای دولتی»، «دخالتهای دیگر دولت‌ها»، «اشاره به گروهک‌های تروریستی»، «حمایت مردم از دولت»، بیشترین فراوانی‌ها نسبت به دیگر کشورها و «کشته و زخمی شدن یا اسارت زنان و کودکان»، «کشته و زخمی شدن غیر نظامیان»، «اظهار خشم مردم»، «پیش‌بینی افزایش درگیری‌ها»، «پیش‌بینی افزایش تلفات مردمی»، «محاصره شهرها توسط نیروهای دولتی»، «مقاومت مردم»، «تهدید و ارباب زخمیان و گروه‌های پزشکی»، «ناتوانی دولت در حل بحران»، «اشاره به نوع سلاح‌های نیروهای دولتی» و «کارکرد منفی اصلاحات دولت» کمترین فراوانی را دارند. بنابراین به نظر می‌رسد اولویت رسانه‌ها تأکید بر ارزش خبری برخورد و سپس حمایت از دولت سوریه و دخالت دیگر دولت‌ها در حوادث این کشور بوده است.

منابع و مأخذ

۱. آشنا، حسام‌الدین، ۱۳۸۳، «فرهنگ، ارتباطات و سیاست خارجی، ارائه مدلی برای دیپلماسی عمومی»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام، شماره ۲۱.
۲. اری، جان، ۱۳۸۳، «جامعه‌شناسی متحرک»، ترجمه یوسف اباذری، ارغنون، شماره ۲۴.
۳. بهرامی، کمیل، ۱۳۸۸، نظام، نظریه رسانه‌ها؛ جامعه‌شناسی ارتباطات، تهران، انتشارات کویر.
۴. روزنامه اطلاعات.
۵. روزنامه آرمان روابط عمومی.
۶. روزنامه آفتاب یزد.
۷. روزنامه ایران.
۸. روزنامه تهران امروز.
۹. روزنامه جام جم.
۱۰. روزنامه جمهوری اسلامی.
۱۱. روزنامه شرق.
۱۲. روزنامه کیهان.
۱۳. روزنامه همشهری.
۱۴. ساروخانی، باقر، ۱۳۷۷، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، مجلد دوم، بینش‌ها و فنون، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۵. سورین، ورنر و جیمز تانکارد، ۱۳۸۶، نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. سیدنژاد، سیدباقر، ۱۳۸۹، «مطالعه تحلیلی و تطبیقی سیاست خارجی جمهوری اسلامی با نظریه سازه‌نگاری»، فصلنامه علمی ترویجی علوم سیاسی، شماره ۴۹.
۱۷. عیوض علیلو، زهرا، ۱۳۸۲، بررسی تطبیقی اخبار جنگ عراق در روزنامه‌ها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۸. قوام، عبدالعلی، ۱۳۸۸، روابط بین‌الملل (رویکردها و نظریه‌ها)، تهران، انتشارات سمت.
۱۹. مشیرزاده، حمیرا، ۱۳۸۳، «گفتگوی تمدن‌ها از منظر سازه‌نگاری»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۳.
۲۰. معتمدنژاد، کاظم، ۱۳۵۶، روش تحقیق در محتوای مطبوعات، تهران، انتشارات دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی.

۲۱. مهدیزاده، سید محمد، ۱۳۸۹، *نظریه‌های رسانه، اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی*، تهران، انتشارات همشهری.

22. Fugl Eskjær, Mikkel, 2012, "Changing Revolutions, Changing Attention? Comparing Danish Press Coverage of the Arab Spring in Tunisia and Syria", *Global Media Journal*, German Edition, 2 (1).
23. Krippendorff, Klaus, 2003, "Content Analysis: An Introduction to Its Methodology", *Sage publications*.
24. Salaita, Steven, 2012, "Corporate American media coverage of Arab revolutions: the contradictory message of modernity", *Interface: a journal for and about social movements*, 4 (1).
25. Yehia, Amir Jamil, 2011, *The framing of the revolution portrayed through the Aljazeera and CNN media outlets and how they compare and contrast*, A.M diss, University Of Missouri.